

نسبیت ضرورت حجاب اسلامی با اصل کاهش جرم در پرتو آثار و قوانین آن؛ تاکید بر سیاست مشارکتی مردم نهاد

علیرضا زارعی^۱، فاطمه صفایی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران (نویسنده مسئول)

^۲ دانش آموخته کارشناسی مطالعات خانواده دانشگاه الزهراء تهران

چکیده

حجاب به عنوان امری مهم در قوانین مختلف مورد تاکید قانونگذار قرار گرفته است با این قید که در برخی از متون قانونی دارای مفهوم جزایی و در مواردی نیز به عنوان تخلف اداری یا انضباطی قابل بررسی است. حجم بالای قوانین در این زمینه نشان می دهد فرهنگ عفاف و حجاب با توجه به آثار زیادی که در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی دارد باید به عنوان یکی از مبانی فرهنگ اصیل اسلامی همواره مورد توجه حاکمیت و جامعه قرار گیرد بنابراین جهت کاهش خطرات ناشی از عدم رعایت حجاب لازم است تا نهادهای قانونی با این پدیده برخورد نمایند همچنین ضرورت وجود اقدامات قانونی به عنوان عاملی برای کاهش حجاب نامتعارف اگرچه ضروری و لازم است اما کافی نیست از این رو ایجاد سیاست مشارکتی جهت جلوگیری از ارتکاب بی حجابی با محوریت حضور نیروی مردمی در عرصه اجتماع، امری قابل توجه و غیر قابل انکار خواهد بود به همین علت می بایست علاوه بر ضرورت نقش آفرینی مراجع قانونی، از نقش مردم و نیروی جامعه نیز در این زمینه استفاده حداکثری برد چه اینکه ایجاد جامعه سالم در خصوص موضوعی فرهنگی اجتماعی همچون حجاب با استفاده از بسترهای فرهنگ ساز و مشارکت مردمی، از نتیجه مطلوب تری برخوردار خواهد بود تا آنکه بخواهیم از ضمانت اجرای قانونی یا قضایی برای تحقق هدف مطلوب استفاده نماییم بنابراین بهره گیری از ابزار مردمی جهت تحقق اصل حجاب در اجتماع و در نتیجه جلوگیری از جرایم خلاف عفت و اخلاق جنسی و به طور کلی کاهش جرم به عنوان ضرورتی مهم، قابل توجه است.

واژه های کلیدی: حجاب، آثار اجتماعی، کاهش جرم، سیاست مشارکتی، قانونگذاری کیفری، کنترل اجتماعی، ابزار فرهنگی